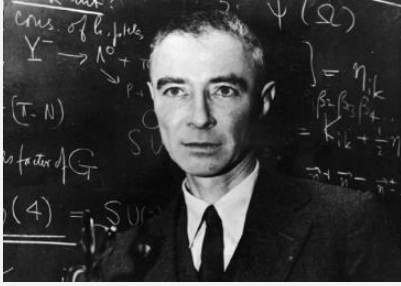


من خود مرگ شدم، ویرانگر جهان!

«رابرت اوپنهاইمر» که با نام پدر بمب اتمی شناخته می‌شود، زندگی و سوابق کاری پیچیده‌ای دارد.



«رابرت اوپنهاইمر» که با نام پدر بمب اتمی شناخته می‌شود، زندگی و سوابق کاری پیچیده‌ای دارد. بمب اتم ساخت اوپنهاইمر به نسل‌کشی در هیروشیما و ناگاساکی منجر شد و آینده کاری این فیزیک دان را تحت تاثیر قرار داد.

«(Julius Robert Oppenheimer)»

همکاران و دوستانش او را «اوپی» (Oppie) صدا می‌کردند. او مردی لاغر و خمیده بود که می‌توانست متواضع، بی‌ثبات و نامعقول باشد.

در طول پارانوای جنگ سرد در دهه ۱۹۵۰، دشمنان سیاسی اوپنهاইمر از گذشته اش برای حذف مجوز امنیتی او استفاده کردند و او در نهایت به دانشگاه بازگشت.

در فیلم جدید «کریستوفر نولان» (Christopher Nolan) با نام اوپنهاইمر، زندگی این دانشمند به تصویر کشیده شده و «کیلین مورفی» (Cillian Murphy) نقش او را بازی کرده است.

اوپنهاইمر در ۲۲ آوریل ۱۹۰۴ در نیویورک به دنیا آمد. اوپنهاইمرها یک خانواده ثروتمند یهودی آلمانی بودند. پدر اوپنهاইمر درآمد خود را از تولید لباس، به دست می‌آورد، آتما، آتما، آتما، د، محله آب هست ساند، زندگی، می‌کردند.

اوپنهاইمر به مدرسه «Ethical Culture School» رفت که بر تربیت کردن دانش آموزان وقف خدمت تمرکز داشت. او برای سرگرمی، مواد معدنی جمع‌آوری می‌کرد و شعر می‌خواند.

اوپنهاইمر از این مدرسه فارغ التحصیل شد و در سال ۱۹۲۲ به «کالج هاروارد» (Harvard College) رفت. برنامه او این بود که شیمی دان شود اما نظر خود را به سرعت به فیزیک تغییر داد. اوپنهاইمر به طور جدی و گسترده مطالعه کرد و در کنار رشته تحصیلی خود، در کلاس‌های فلسفه، ادبیات و دین شرق نیز شرکت داشت. او مقطع چهار ساله کارشناسی را در سه سال به پایان رساند و با افتخار فارغ التحصیل شد.

اوپنهاইمر پس از فارغ التحصیلی، به «دانشگاه کمبریج» رفت تا زیر نظر «لرد رادرفورد» (Lord Rutherford) فیزیک دان برجسته هسته‌ای، فیزیک اتمی را مطالعه کند.

سپس، اوپنهاইمر به «دانشگاه گوتینگن» (University of Gottingen) آلمان رفت تا زیر نظر دکتر «مکس بورن» (Max Born) دانشمند مشهور اتمی، تحصیل کند. او در سال ۱۹۲۷ فارغ التحصیل شد.

دکتر بورن بعدها گفت که اوپنهاইمر آشکارا باهوش بود اما امکان داشت سر کلاس صحبت کند و میان حرف سخنرانان بدود تا آنچه را که سعی داشتند بگویند، برایشان توضیح دهد.

در این دوره، اوپنهاইمر با افسردگی دست و پنجه نرم می‌کرد. او با چندین روانکاو ملاقات داشت اما یک تور دوچرخه سواری در جزیره «کرس» (Corsica) و خواندن کتاب «در جستجوی زمان از دست رفته» نوشته «مارسل پروست» (Marcel Proust) را عوامل بهبود دهانه خد عنان، کرد.

اوپنهاইمر شخصیت پیچیده‌ای داشت. او مشروبات الکلی می‌نوشید، مدام سیگار می‌کشید و با کلاه «شاپو» که همیشه به سر می‌گذاشت، قابل تشخیص بود. او می‌توانست بسیار بی‌پروا باشد. به عنوان مثال، زمانی که دانش آموز بود، با قطار مسابقه داد که به تصادف خودروی او ختم شد. او بدون اینکه آسیبی ببیند، از صحنه تصادف دور شد.

اوپنهاইمر مورد انتقاد قرار گرفت که چرا خود را از نظر فکری بیش از اندازه ضعیف کرده است اما هرگز در هوش و ذکاوت او شکی وجود نداشت. او لاتین، فرانسه، آلمان، به نمان، می‌دانست و بعدها سانسکت، لاتین آموخت تا نتواند متوجه مهم هندی، بخواند.

«»

اوپنهاইمر برخلاف سایر استادانی که ممکن بود در جزئیات بی‌اهمیت غرق شوند، حسی برای مفاهیم جهان واقعی داشت که از نظریات او سرچشمه می‌گرفت و علاقه دانشجویانش را برمی‌انگیخت. به گفته «هانس بیت» (Hans Bethe) فیزیک دان آمریکایی آلمانی الاصل، اوپنهاইمر یکی از پیچیده ترین مدرسان فیزیک در آمریکا بود.

بیته درباره اوپنهاইمر گفت: او مردی بود که همه اسرار عمیق مکانیک کوانتومی را به وضوح درک می‌کرد و در عین حال، این موضوع را روشن می‌کرد که مهم ترین پرسش‌ها بی‌پاسخ هستند. جدیت و مشارکت عمیق او، همان حس مبارزه طلبی را به دانشجویان پژوهشگرش داد. او هرگز پاسخ‌های آسان و سطحی به دانشجویان خود نمی‌داد، بلکه به آنها می‌آموخت که روی مشکلات عمیق کار کنند.

«»

اوپنهاইمر برای مدتی کاملاً آکادمیک زندگی کرد. او بعدها گفت که در سال‌های اولیه تدریس، هیچ مطلب مرتبط با سیاست یا اقتصاد

نمی خواند، هرگز رادیو گوش نمی کرد و حتی تلفن نداشت. اوپنهاইمر در طول دهه ۱۹۳۰ چندین اکتشاف علمی قابل توجه از جمله پیش بینی سیاه چاله ها را ۳۰ سال پیش از تبدیل شدن به یک نظریه رایج انجام داد. همچنین، در دهه ۱۹۳۰ بود که اوپنهاইمر شروع به گذراندن وقت با کمونیست ها کرد. در سال ۱۹۴۰، او با «کاترین پوئینگ» (Katherine Puening) زیست شناس و کمونیست سابق ازدواج کرد. شوهر اول کاترین، یک کمونیست بود که در جنگ داخل اسبانا داشت. او منظم به کاترین، ده فرزند به نام ها، بست و کاترین داشتند.

وی افزود: من دیدم که رکود با دانشجویانم چه می کند. بیشتر آنها نمی توانستند کار پیدا کنند یا کاری داشتند که درآمد آن کافی نبود. از طریق آنها متوجه شدم که رویدادهای سیاسی و اقتصادی چقدر می توانند بر زندگی انسان ها تأثیر بگذارند. من نیاز به مشارکت بیشتر در زندگی جامعه را احساس کردم.

« (Theodore Roosevelt) » « (Manhattan Project) »

روزولت، ژنرال «لسلی گرووز» (Leslie Groves) را برای اجرای پروژه منصوب کرد و دو میلیارد دلار بودجه را به آن اختصاص داد. همچنین، او به کسب، ناس داشت که آزمایشگاه بمب اتمی ساخت، کند و امنی نام، انتخاب کرد.

اوپنهاইمر پیشتر نگرانی هایی در مورد کار کردن روی تلاش های جنگی داشت اما پیشنهاد گرووز را پذیرفت و بهترین افراد را برای این کار انتخاب کرد. آنها دو سال آینده را در لس آلاموس، نیومکزیکو با او سپری کردند. اوپنهاইمر، متخصصانی را استخدام کرد که در زمینه های گوناگون مرتبط با انرژی اتمی کار کرده و برخی از باهوش ترین افراد جهان بودند. از میان این افراد می توان دکتر «نیلز بور» (Niels Bohr) فیزیک دان دانمارکی و دکتر «انریکو فرمی» (Enrico Fermi) فیزیک دان آمریکایی ایتالیایی الاصل را نام برد.

در این دوره، اوپنهاইمر تحت نظارت مداوم بود. تماس ها و نامه های او نیز تحت نظر قرار داشتند. گزارش شد که او با یکی از دوستان قدیمی کمونیست خود ملاقات کرده است. اوپنهاইمر به طور غیرمنتظره ای به یکی از ماموران دولتی اعتراف کرد که روس ها در تلاش بوده اند تا اطلاعات بیشتری را پیرامون کار آنها در پروژه منتهن کسب کنند. او سه بار تحت بازجویی قرار گرفت و در یکی از بازجویی ها، فرستاد، از کمونیست ها ه همدادان، آنها ارائه کرد.

با وجود این، اوپنهاইمر از کارش برکنار نشد. او به کار خود ادامه داد و حدود ۴۰۰۰ نفر را برای ساخت بمب اتمی در لس آلاموس هدایت کرد. این کار کمی بیش از دو سال طول کشید.

به رغم این که اوپنهاইمر به نامعقول بودن شناخته شده بود، به دلیل نحوه اجرای پروژه، به ویژه برای کارآیی و سرپرستی کاربزماتیک خود مورد تحسین قرار گرفت. با وجود این، برخی از کارکنان او گاهی اوقات در مورد این که آیا کار درستی انجام می دهند یا خیر، ابراز نگرانی کردند.

اوپنهاইمر توانست کارکنان را متقاعد کند که کار آنها درست است. او به آنها گفت که اگرچه بمب اتمی مشکلاتی را ایجاد می کند اما راهی دارد، با آن، داد، به جنگ است.

!

در ساعت ۵:۳۰ صبح روز ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۵، اولین بمب اتمی ساخت بشر منفجر شد و یک ابر به شکل قارچ به ارتفاع ۴۰ هزار فوت در آسمان رسید. این یک موفقیت برای اوپنهاইمر بود.

اوپنهاইمر از دور تماشا کرد و وقتی ابر قارچ شکل را دید، جمله معروفی در ذهنش نقش بست: «من خود مرگ شده ام، ویران گر جهان ها». این خطی از «بهاگاواد گیتا» (Bhagavad Gita) کتاب مقدس هندو بود که ۷۰۰ بیت دارد. این نقل قول مربوط به زمانی است که «ویشنو» (Vishnu) خدای هندو، به یک شاهزاده دستور می دهد تا وظیفه خود را انجام دهد و به موفقیت جنگی دست یابد.

:

در زمان رها شدن بمب ها، اوپنهاইمر جشن گرفت و حتی گفت که ای کاش بمب زودتر ساخته می شد تا روی آلمان پرتاب شود اما در مورد قربانیان ژاپنی، ابراز ناراحتی کرد.

!

« (APS) » :

در ماه اکتبر، اوپنهاইمر با «هری ترومن» (Harry Truman) رئیس جمهور وقت آمریکا ملاقات کرد و به او گفت که احساس می کند دست هاش، خمن، آلود هستند. گناهش، ها حاک، از اب، هستند که تهم، منحه شده از او، نگ داند.

اوپنهاইمر با وجود گناهش، طی چند سال بعد به یک چهره عمومی مشهور تبدیل شد. عکس او روی جلد مجلات ظاهر شد و به سمت ریاست «کمیسیون انرژی اتمی آمریکا» (AEC) رسید که جای پروژه منتهن را گرفته بود.

اوپنهاইمر برای کارهای خود، جوایزی را دریافت کرد که یکی از آنها «جایزه برتری ارتش-نیروی دریایی» (Army-Navy Award of Excellence) در دهه ۱۹۴۰ بود.

با وجود این موفقیت ها، اوپنهاইمر آشکارا تمایلی به ساخت بمب هیدروژنی نداشت که ۱۰۰۰ برابر قوی تر از بمب اتمی باشد. موضع او از زمان آغاز جنگ سرد بحث برانگیز بود.

« (Edward Teller) »

اوپنهاইمر به جای آمریکا، علنا از یک گروه بین المللی که کنترل سلاح های اتمی را در اختیار داشتند، حمایت کرد. در دهه ۱۹۵۰، او به عنوان یکی از اعضای هیئت مدیره، نداشت و بمب هیدروژن، در سال ۱۹۵۲ ساخته و آزمایش شد.

در اوت سال ۱۹۴۳، اوپنهاইمر نوشت: این امکان وجود دارد که آلمانی ها تا پایان سال جاری، مواد کافی را برای ساخت تعداد زیادی گجت (بمب اتمی) در اختیار داشته باشند و آنها را همزمان روی انگلستان، روسیه و این کشور رها کنند.

« (Vanderbilt University) »

یکی از دانشمندی که از آلمان فرار کرده بود، در مورد «ورنر هایزنبرگ» (Werner Heisenberg) برنده آلمانی جایزه نوبل گفت: اگر کسی در جهان بتواند بمب اتمی را بسازد، هایزنبرگ است.

پس از حمله آلمان به لهستان در سال ۱۹۳۹، هایزنبرگ برای کار کردن در دفتر تسلیحات ارتش پیرامون مشکل انرژی هسته ای فراخوانده شد و نقش اصلی را در تحقیقات هسته ای آلمان بر عهده گرفت که نقش بسیار بحث برانگیزی بوده است. گروه تحقیقاتی هایزنبرگ در تولید یک رآکتور یا بمب اتمی ناموفق بود. برخی روایات، هایزنبرگ را به سادگی ناتوان معرفی کرده اند اما برخی دیگر معتقدند که او عمدا این تلاش را به تاخیر انداخته یا خرابکاری کرده است. بدین ترتیب، آشکار است که پروژه تسلیحات هسته ای آلمان به طور کلی در همان ابتدا، از شعله و شعله منتهی آمیکا بخوردا، نمود.

دلیل شکست آلمان در ساخت بمب اتمی، پرسشی است که پاسخی بحث برانگیز دارد. استدلال بسیاری افراد از جمله خود هایزنبرگ این است که دانشمندان آلمانی از نظر اخلاقی با بمب اتمی مخالف بودند و به همین دلیل، مخفیانه این تلاش را خراب کردند. در هر حال، این که دانشمندان آلمانی از تکمیل موفقیت آمیز بمب اتمی جلوگیری کرده اند، بی ربط به نظر می رسد. به نظر می رسد دلیل منطقی این باشد که آلمان در طول جنگ جهانی دوم قادر به تخصیص منابع لازم برای اجرای این پروژه نبود.

« (Dwight Eisenhower) »

اوپنهاইمر متهم شد که هوادار کمونیسم است. یک محاکمه مخفیانه برای او برگزار شد و در ژوئن ۱۹۵۴ پس از ۱۹ روز جلسه استماع، مجوز امنیتی اوپنهاইمر برای همیشه لغو شد.

اعضای کمیته هیچ مدرکی را مبنی بر سوءاستفاده اوپنهاইمر از اطلاعات طبقه بندی شده یا نشانه ای از عدم وفاداری او پیدا نکردند. تنها چیزی که به آن اشاره شد، این بود که اوپنهاইمر نقص های اساسی در شخصیت خود دارد. البته گفت که اوپنهاইمر نتیجه جلسه امنیتی را بسیار بی سروصدا دریافت کرد اما او دیگر یک شخص تغییر یافته بود که بخش زیادی از روحیه و سادگی، بسط، خد، نداشت.

« »

در سال ۱۹۶۲، اوپنهاইمر توسط «جان اف کندی» (John F. Kennedy) رئیس جمهور وقت آمریکا به مراسم شام «جایزه نوبل» در کاخ سفید دعوت شد و سال بعد، بالاترین افتخار، کمیسر، انش، اتم، آمیکا، «جانه فم» (Fermi Award)، دریافت کرد.

اوپنهاইمر در ۱۸ فوریه ۱۹۶۷ تنها یک سال پس از بازنشستگی، بر اثر ابتلا به سرطان درگذشت. او هنگام مرگ ۶۲ سال داشت.